

آموزش رایگان در سایه هزینه‌های پنهان

به گزارش ایسا، آموزش یکی از بنیادی‌ترین حقوق شهروندی و از مهم‌ترین ابزارهای توسعه هر جامعه به شمار می‌رود. در چنین چارچوبی، ششم مرداد یادآور تصویب قانونی است که برای نخستین‌بار دولت را موظف کرد آموزش ابتدایی را به صورت اجباری و رایگان برای همه کودکان فراهم کند. هرچند از تصویب این قانون بیش از هشت دهه می‌گذرد، اما بررسی مسیر طی‌شده نشان می‌دهد نظام آموزشی ایران در کنار موفقیت‌هایی همچون افزایش نرخ باسوادی، توسعه مدارس و گسترش دسترسی به آموزش، همچنان با چالش‌های روبه‌رو است که تحقق کامل اهداف این قانون را نیازمند سیاست‌گذاری و سرمایه‌گذاری مستمر می‌کند.

قانون آموزش و پرورش اجباری و رایگان نقطه عطفی در تاریخ نظام آموزشی ایران محسوب می‌شود که هدف اصلی آن، فراهم کردن فرصت برابر برای تحصیل همه کودکان و کاهش بی‌سوادی در جامعه بود؛ اقدامی که در سال‌های بعد زمینه‌ساز توسعه مدارس، افزایش پوشش تحصیلی و ارتقای سطح سواد عمومی شد.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی نیز اصل سی‌ام قانون اساسی بر حق آموزش رایگان تأکید کرد و دولت را موظف دانست وسایل آموزش و پرورش رایگان را برای همه ملت تا پایان دوره متوسطه فراهم کند. در دهه‌های گذشته نیز توسعه فضاهای آموزشی، گسترش مدارس در مناطق محروم، نهضت سوادآموزی و افزایش دسترسی دانش‌آموزان به آموزش از مهم‌ترین اقدامات در این حوزه بوده است. با این حال، کارشناسان معتقدند تحقق آموزش رایگان تنها به حذف شهریه مدارس دولتی محدود نمی‌شود. هزینه تهیه کتاب‌های کمک‌آموزشی، سرویس ایاب و ذهاب، پوشاک، لوازم‌التحریر و کلاس‌های آموزشی، فشار اقتصادی قابل توجهی بر بسیاری از خانواده‌ها وارد می‌کند و در برخی مناطق، دسترسی برابر به آموزش باکیفیت همچنان با چالش همراه است.

از سوی دیگر، عدالت آموزشی امروز بیش از هر زمان دیگری به موضوعی کلیدی تبدیل شده است. تفاوت امکانات آموزشی میان مناطق برخوردار و کمتر برخوردار، دسترسی نابرابر به فناوری‌های آموزشی، کمبود نیروی انسانی در برخی استان‌ها و ضرورت نوسازی مدارس، از جمله مسائلی است که همچنان در دستور کار سیاست‌گذاران قرار دارد.

در سال‌های اخیر نیز آموزش و پرورش با اجرای طرح‌هایی مانند توسعه‌مدارس، جذب معلمان، ارتقای کیفیت آموزش، هوشمندسازی مدارس و برنامه‌ریزی برای کاهش محرومیت آموزشی تلاش کرده‌است فاصله موجود را کاهش دهد؛ با این حال، تحقق کامل اهداف قانون مصوب ششم مرداد ۱۳۲۲ همچنان نیازمند تأمین منابع پایدار، افزایش کیفیت آموزشی و ایجاد فرصت‌های برابر برای همه دانش‌آموزان است.

اجباری شدن آموزش ابتدایی در سال ۱۳۲۰

اکتون در ۸۳مین سالگرد تصویب این قانون، محمد حسنی، پژوهشگر حوزه آموزش و پرورش، در گفت‌وگو با ایسنا، درباره روند شکل‌گیری آموزش و پرورش اجباری در ایران اظهار کرد: نخستین قانون آموزش و پرورش کشور یا «قانون اساسی معارف» در سال ۱۲۹۰ به تصویب رسید که بر اساس یکی از مواد آن، آموزش ابتدایی اجباری اعلام شد، اما این موضوع در عمل تنها در حد یک قانون باقی ماند، زیرا ملزومات اجرایی آن فراهم نبود و کشور از نظر امکانات و منابع مالی در شرایطی قرار نداشت که بتواند هزینه‌های آموزش همگانی را تأمین کند.

وی افزود: پیش از آن، آموزش و پرورش مدرسه‌ای عمدتاً در اختیار اخاص و انجمن‌های خیریه بود؛ از جمله «انجمن معارف ایران» که نقش مهمی در توسعه آموزش و پرورش داشت، اما این انجمن بعدها به دلایل منحل شد و وظایف آن به دولت واگذار شد. از آن زمان، دولت‌ها متولی آموزش عمومی شدند. هرچند قانون اساسی معارف نیز در همان دوره تصویب شد، اما دولت باید زیرساخت‌هایی همچون تأمین معلم، منابع آموزشی و امکانات لازم را فراهم می‌کرد تا امکان اجرای آموزش اجباری فراهم شود.

پژوهشگر حوزه آموزش و پرورش ادامه داد: در سال ۱۳۲۲ وزیر وقت، قانون آموزش و پرورش رایگان را به مجلس برد و این قانون به تصویب رسید، اما همچنان کشور با کمبود بودجه مواجه بود و بسیاری از مسئولان و نمایندگان نسبت به امکان اجرای آن تردید داشتند.

ایجاد مدارس غیردولتی در سال ۱۳۳۵

حسنی با اشاره به تحولات بعدی نظام آموزشی گفت: در سال ۱۳۳۵ مجلس شورای ملی و مجلس سنا تصویب کردند که دولت به افراد متدین، خوش‌سایق و دارای تجربه، اجازه تأسیس مدارس خصوصی چهارکلاسه را بدهد. پس از آن نیز آیین‌نامه‌های مربوط، تدوین و تکمیل شد و به دبیرستان‌ها اجازه داده شد از دانش‌آموزان شهریه دریافت کنند تا هزینه‌های مدرسه تأمین شود و در عین حال از دانش‌آموزان کم‌برخوراد نیز حمایت و برای جذب آنان اقدام شود.

وی افزود: با گسترش مدارس غیردولتی، به تدریج بخش قابل توجهی از افرادی که وارد دانشگاه‌ها می‌شدند، از خانواده‌های مرفه بودند به همین دلیل، در سال ۱۳۵۳ و همزمان با افزایش درآمدهای نفتی و تقویت توان مالی دولت، مجلسین قانون «تهیه امکانات تحصیل کودکان و جوانان ایرانی» را تصویب کردند که حمایت گسترده‌ای از آموزش عمومی به همراه داشت. در نتیجه، مدارس غیردولتی و ملی تا

مسیر پرفراز و نشیب توسعه آموزشی در ایران بررشی شد

آموزش رایگان در سایه هزینه‌های پنهان

ششم مرداد، یادآور تصویب «قانون آموزش و پرورش اجباری و رایگان» در سال ۱۳۲۲ است؛ قانونی که با هدف تضمین حق آموزش برای همه کودکان ایرانی به تصویب رسید و سنگ گسترش سوادآموزی در کشور را بنا نهاد و علی رغم دستاوردهای گسترده، وجود مشکلاتی چون بازماندگان از تحصیل، هزینه‌های تحصیلی، مدارس خاص، کیفیت آموزش، کمبود امکانات و ... تحقق کامل این حق قانونی را با موانعی روبه‌رو کرده است.



حد زیادی کاهش یافتند و این اقدام زمینه مناسبی برای تحقق آموزش اجباری فراهم کرد.

پژوهشگر حوزه آموزش و پرورش ادامه داد: در آن دوره، مسئولان کشور معتقد بودند که همه کودکان باید از فرصت تحصیل برخوردار باشند و آموزش رایگان در ابتدا تا شش پایه و بعدها تا پایان پایه نهم، به‌صورت اجباری و بدون دریافت هزینه اجرا شد. همچنین طرح تغذیه رایگان در مدارس سراسر کشور اجرا می‌شد که نقش مهمی در توسعه کمی آموزش و پرورش داشت و موجب شد مدارس به دورافتاده‌ترین نقاط کشور نیز گسترش پیدا کنند.

حسنی با اشاره به نتایج اجرای این سیاست‌ها گفت: بر اساس آمار، امروز بیش از ۹۸ درصد پوشش تحصیلی داریم. حتی در مقاطعی، مسئولان به صورت خانه‌به‌خانه به دنبال شناسایی کودکانی بودند که به دلایل مختلف از تحصیل بازمانده بودند؛ کودکانی که عمدتاً در روستاهای محروم استان‌هایی مانند خراسان شمالی و سیستان و بلوچستان زندگی می‌کردند.

وضعیت آموزش رایگان پس از پیروزی انقلاب اسلامی

وی با اشاره به وضعیت آموزش رایگان پس از پیروزی انقلاب اسلامی افزود: بر اساس اصل ۳۰ قانون اساسی، آموزش و پرورش تا پایان دوره متوسطه برای همه رایگان است و آموزش عالی نیز تا جایی که دولت امکانات و بودجه داشته باشد، باید به صورت رایگان ارائه شود. اما پس از انقلاب، کشور در شرایط ویژه‌ای قرار گرفت؛ از جمله جنگ تحمیلی، کاهش قیمت نفت، محدودیت منابع مالی و چالش‌های گسترده ناشی از جنگ که بازسازی شهرها، زیرساخت‌ها، ارتش، سپاه و سایر بخش‌ها بودجه‌های کلانی را می‌طلبد.

پژوهشگر حوزه آموزش و پرورش ادامه داد: از سوی دیگر، همزمان با این شرایط، نرخ رشد جمعیت به شدت افزایش یافته بود و سالانه حدود دو میلیون نفر وارد نظام آموزشی می‌شدند. استقبال خانواده‌های از تحصیل نیز بسیار بالا بود و همین موضوع فشار سنگینی بر آموزش و پرورش وارد می‌کرد. تأمین معلم، فضای آموزشی، کتاب‌های درسی، برنامه‌های فوق‌برنامه و ارتقای کیفیت آموزش، همگی به منابع مالی و امکانات گسترده نیاز داشت و آموزش و پرورش در تأمین این نیازها با چالش جدی مواجه بود.

حسنی گفت: در چنین شرایطی، یکی از دیدگاه‌های مطرح در نظام حکمرانی این بود که با مشارکت مردم، بخشی از بار مالی آموزش از دوش دولت برداشته شود. بر همین اساس پیشنهاد شد خانواده‌هایی که توان مالی دارند، فرزندان خود را در مدارس خصوصی ثبت‌نام کنند و هزینه آموزش را خودشان بپردازند تا دولت بتواند منابع بیشتری را به فشار محروم اختصاص دهد.

هر روز آثار نابرابری در نظام آموزشی بیشتر نمایان می‌شود

وی با اشاره به روند شکل‌گیری مدارس غیردولتی پس از انقلاب افزود: در ابتدای انقلاب و پس از تصویب قانون اساسی، شورای عالی انقلاب فرهنگی تمام مدارس غیردولتی یا مدارس موسوم به «ملی» را منحل کرد و تنها تعداد محدودی از جمله مدارس علوی و خوشترکان اسلامی به فعالیت خود ادامه دادند. اما در سال ۱۳۶۷ قانون مدارس غیرانتفاعی به تصویب رسید و از همان زمان روند خصوصی‌سازی و تنوع مدارس آغاز شد.

این پژوهشگر حوزه آموزش و پرورش درباره هدف تصویب این قانون ادامه داد: فلسفه این قانون آن بود که بار مالی دولت کاهش پیدا کند و دولت بتواند خدمات آموزشی را بیشتر به طبقات محروم ارائه دهد و در مقابل، خانواده‌های برخوردار هزینه تحصیل فرزندان خود را بپردازند. اما این پرسش مطرح است که آیا این منطق درست بود؟. حسنی گفت: به اعتقاد من، اکنون که بیش از ۳۰ سال از تصویب

اخبار	
رشد ۳۰ درصدی آمار غرق‌شدگی در کشور	
	
رئیس سازمان اورژانس کشور از ثبت ۵۸۲ مورد غرق‌شدگی و رشد ۳۰ درصدی غرق‌شدگی امسال نسبت به سال گذشته خبر داد. به گزارش تسنیم، جعفر میعادفر، رئیس سازمان اورژانس کشور از ثبت ۵۸۲ مورد غرق شدگی در کشور از ابتدای سال جاری تا پایان تیرماه و رشد ۳۰ درصدی غرق شدگی در این مدت خبر داد و اظهار کرد: در این بازه زمانی متأسفانه ۳۳۶ نفر جان خود را از دست داده و ۲۴۶ نفر نیز مصدوم شده‌اند که شاهد دهه ۲۶ درصدی فوتی‌ها و ۳۷ درصدی مصدومین بوده‌ایم. وی با بیان اینکه میانگین سنی غرق شدگان، ۲۵ سال بوده است، افزود: کم‌سن‌ترین غریق، یک پسر بچه یکساله بوده که درمان و ترخیص شده و مسن‌ترین غریق نیز مرد ۸۸ ساله‌ای بوده که متأسفانه در محل حادثه جان خود را از دست داده است. به گفته رئیس سازمان اورژانس کشور ۷۶ درصد غرق شده‌ها مرد و ۲۴ درصد نیز زن بوده‌اند. میعادفر درباره بیشترین محل غرق شدگی، گفت: ۲۹ درصد غرق شدگان در رودخانه‌ها، ۱۷ درصد در سواحل دریا، ۱۶ درصد در استخرهای کشاورزی و ۱۱ درصد نیز در استخرهای شنا، دچار حادثه شده‌اند. رئیس سازمان اورژانس کشور یادآور شد: بیشترین موارد غرق شدگی به ترتیب مربوط به استان‌های آصفهان با ۵۶ مورد، مازندران ۵۲ مورد و فارس با ۴۵ مورد بوده است. همچنین در این مدت، شاهد رشد ۱۰۰ درصدی غرق شدگی در بستر رودخانه‌ها بوده‌ایم.	

هر ۴ دقیقه یک ایرانی به سرطان مبتلا می‌شود	
	
معاون بهداشت وزیر رفیر بهداشت با بیان اینکه سالانه ۹۸ هزار نفر در اثر سرطان جان خود را از دست می‌دهند، گفت: هر ۴ دقیقه یک ایرانی به سرطان مبتلا می‌شود. به گزارش فارس، علیرضا ریسی معاون بهداشت وزیر بهداشت در گردهمایی مشاوران زنان دانشگاهی مختلف با محوریت پیشگیری از سرطان در زنان با اشاره به پوشش هیچکس تنها نیست؛ باهم علیه سرطان از پیشگیری تا درمان و تسکین» گفت: سالانه حدود ۱۴۲ هزار مرد سرطان در کشور داریم که نیمی از آنها مربوط به زنان است و روزانه ۱۹۰ مورد سرطان شناسایی می‌شود و هر ۴ دقیقه یک نفر به سرطان مبتلا می‌شود؛ همچنین در هر شبانه روز ۱۶ خانواده از سرطان بودن عضوی از خانواده مطلع می‌شوند. وی ادامه داد: در سال تحصیلی ۱۴۰ هزار دانش آموز مبتلا به سرطان می‌شوند و در زنان سرطانهای پستان تیروئید، کف پوست کولورکتال و در مردان پروستات، کولورکتال، پوست، معده و مثانه شایع است. معاون بهداشت وزیر بهداشت تصریح کرد: سالانه ۹۸ هزار بیمار سرطانی در ایران جان می‌دهند. وی با اشاره به نقش منفی خودروسازان در ایجاد بیماری‌ها، گفت: خودروسازان با خودروهای آلوده خود مردم را با سرطان می‌کشند و از سوی دیگر با نالینمی خودرو جان مردم را می‌گیرند. ریسی با بیان اینکه میزان سرطان در ایران افزایش پیدا کرده،ابراز کرد: سبک زندگی، سواد سلامت، محرک های اقتصادی اجتماعی، سالمندی و درآمد در ایجاد و بروز سرطان موثر هستند وی با رد ایجاد سونامی در ایران، متذکر شد: از هر ۱۰ سرطان ۴ مورد قابل پیشگیری است؛ یعنی ۴۰ درصد سرطانها قابل پیشگیری است؛ در نتیجه به جای هزینه های درمانی زیاد سرطان و داروهای گرانبهیم می توانیم پیشگیری کنیم. ریسی یادآور شد: داروهای بی خاصیت و کم خاصیت سرطان جیب مردم را خالی می کند و فرد همه زندگی خود را می فروشد اما هیچ اثر مثبتی هم در درمان ندارد. وی خاطرنشان کرد: ۴۰ درصد سرطانها در مردان و ۲۱ درصد سرطانها در زنان است و مهمترین علل بروز سرطانها دخانیات،کم تحرکی،قلیان،...است.ضمن اینکه تنها کشوری هستیم که سیگار را به صورت نخعی می فروشیم. معاون بهداشت وزیر بهداشت با انتقاد از تبلیغ سیگار و مشروب در سینمای خانگی گفت: بارها تذکر داده ایم اما همچنان این روند ادامه دارد.	

بزرگ‌ترین ناکامی نظام آموزشی

پژوهشگر حوزه آموزش و پرورش با بیان اینکه موانع تحقق عدالت آموزشی بسیار گسترده است، ادامه داد: یکی از مهم‌ترین این موانع، همان پارادوکس موجود درباره ماهیت آموزش است؛ اینکه آیا آموزش و پرورش یک خیر عمومی و مشترک است که همه باید به‌طور برابر از آن برخوردار شوند یا یک کالای خصوصی محسوب می‌شود؟ این تعارض سال‌هاست نظام آموزشی کشور را با مشکلات متعددی مواجه کرده است.

حسنی گفت: از تصویب قوانین مربوط به مدارس غیردولتی در دهه‌های گذشته، از جمله قانون سال ۱۳۳۵ و سپس قانون مدارس غیرانتفاعی در سال ۱۳۶۷ و گسترش مدارس غیردولتی در دهه ۱۳۹۰، این روند ادامه یافته است. هرچند بسیاری از مردم تصور می‌کنند اشکالی ندارد خانواده‌های مرفه هزینه آموزش فرزندان خود را پرداخت کنند، اما چون این پارادوکس در سطح حکمرانی حل نشده است، هنوز نتوانسته‌ایم عدالت آموزشی را، به‌ویژه در ابعاد کیفی، محقق کنیم.

وی با اشاره به شواهد موجود درباره نابرابری آموزشی افزود: امروز حتی از نظر کمی نیز شواهدی وجود دارد که نشان می‌دهد در مناطق محروم، دسترسی به آموزش کمتر، میزان بازماندگی از تحصیل بیشتر و افت تحصیلی شدیدتر است. این موضوع بیانگر آن است که علاوه بر مشکلات کیفی، نشانه‌های نابرابری در شاخص‌های کمی نیز مشاهده می‌شود. با این حال، بزرگ‌ترین ناکامی نظام آموزشی در حوزه عدالت، مربوط به ابعاد کیفی است.

پژوهشگر حوزه آموزش و پرورش با اشاره به نتایج آموزشی دانش‌آموزان ادامه داد: برای نمونه، میانگین نمرات دانش‌آموزان پایه چهارم ابتدایی در برخی دروس به حدود ۱۰ یا حتی کمتر از ۱۰ رسیده است که نشان‌دهنده ضعف‌های کیفی نظام آموزشی است. همچنین تنوع مدارس و تفاوت امکانات آموزشی موجب شده است بخش قابل توجهی از پذیرفته‌شدگان دانشگاه‌های برتر از خانواده‌های پردرآمد باشند؛ به‌گونه‌ای که حدود ۶۰ درصد دانشجویان دانشگاه صنعتی شریف از خانواده‌های مرفه هستند. این در حالی است که اساساً تعداد خانواده‌های پردرآمد در کشور به این میزان نیست. آیا هوش به میزان درآمد خانواده وابسته است؟ این اختلافات طبقاتی و پارادوکس موجود در سیاست‌گذاری آموزشی، به‌تدریج آثار خود را در قالب نابرابری و بی‌عدالتی آموزشی نشان می‌دهد.

قانون آموزش رایگان و اجباری نیازمند «حمایت»

حسنی درباره اصلاح قانون آموزش و پرورش اجباری گفت: قانون آموزش رایگان و اجباری همان قانون «تأمین امکانات و وسایل تحصیل اطفال و جوانان ایرانی» مصوب سال ۱۳۵۳ است که در سال ۱۳۵۸ مورد بازنگری قرار گرفت. به اعتقاد من، این قانون، قانون خوبی است و بیش از آنکه به نیاز ایجاد داشته باشد، به حمایت نیاز دارد؛ یعنی جامعه، نظام حکمرانی و حاکمیت باید از اجرای کامل آن حمایت کنند.

وی افزود: با این حال، شواهد نشان می‌دهد که دولت‌ها تمایل دارند بخشی از مسئولیت تأمین امکانات و وسایل تحصیل کودکان و نوجوانان را از دوش خود بردارند و آن را به خانواده‌ها و جامعه واگذار کنند.

پژوهشگر حوزه آموزش و پرورش با اشاره به اصل ۳۰ قانون اساسی ادامه داد: در این اصل آمده است که آموزش عالی تا سرحد خودکفایی کشور و تا جایی که دولت توان داشته باشد، باید رایگان باشد؛ از این رو می‌توان ایجاد دانشگاه آزاد اسلامی و دانشگاه‌های غیرانتفاعی را در این چارچوب قابل توجیه دانست.

مدارس دولتی روز به روز کم برخوردارتر می‌شوند

حسنی گفت: در دانشگاه‌های دولتی، کیفیت آموزش بسیار بالاست و با بسیاری از دانشگاه‌های غیردولتی مانند دانشگاه آزاد و دانشگاه‌های غیرانتفاعی قابل مقایسه نیست، اما در آموزش عمومی وضعیت متفاوت است؛ به‌گونه‌ای که بسیاری از مدارس غیردولتی از کیفیت آموزش بالاتری برخوردارند، برخی از آنها آزمون ورودی برگزار می‌کنند و شهریه‌های بسیار سنگینی دریافت می‌کنند؛ شهریه‌هایی که گاهی از شهریه دوره دبستان در دانشگاه نیز بیشتر است. در مقابل، مدارس دولتی روزبه‌روز کم‌برخوردارتر و ناتوان می‌شوند.

وی افزود: دولت، حاکمیت و قوه قضاییه باید برای حل این مسئله ورود جدی داشته باشند و زمینه ارائه آموزش عمومی باکیفیت را برای همه طبقات جامعه، بدون هیچ‌گونه تبعیض، فراهم کنند.

دستاوردهای نظام آموزشی پس از انقلاب

پژوهشگر حوزه آموزش و پرورش با اشاره به دستاوردهای نظام آموزشی پس از انقلاب اظهار کرد: در حوزه عدالت آموزشی، پس از انقلاب توفیقاتی داشته‌ایم. به‌ویژه در زمینه گسترش آموزش، آموزش دختران و تحقق عدالت جنسیتی، طی سه تا چهار دهه گذشته اقدامات ارزشمند و قابل توجهی انجام شده که در گزارش‌های سازمان‌های بین‌المللی نیز منعکس شده است البته این موفقیت‌ها نباید موجب شدن که ضعف‌های موجود را نادیده بگیریم یا عملکرد خود را نقد نکنیم؛ بلکه باید با اتخاذ تصمیمات و سیاست‌های مناسب‌تر، برای جبران این کاستی‌ها و تحقق هرچه بیشتر عدالت آموزشی تلاش کنیم.

کنند، یعنی دوباره یک موج تومری سهمگین...»

اینها فقط بخشی از درد دل‌های این بازنشستگان است؛ این مستمری‌بگیران، سنت مطالبه‌گری و اعتراض را فراموش نکرده‌اند: آن‌ها اما مشکلات را ساختاری و فراتر از تعامل دوسویه‌ی خود با صندوق تأمین اجتماعی می‌دانند؛ از نگاه این مزدبگیران خسته که مدت‌هاست نشاط جوانی را پشت سر گذاشته‌اند، ثروت‌های ملی به یغما رفته و امروز سهم زحمتکشان، در جیب دیگران است...

روایت یک بازنشسته از دروس‌های کالابریگ

«محمدرضا قربانی» یکی از این بازنشستگان، صحبت کردن در مورد «معیشت» را تکراری و بی‌فایده می‌داند؛ او می‌گوید: فریادهای ما، اعتراض‌های ما و اینهمه سختی و مارات که در زندگی داریم، برای بالایی‌ها اهمیتی ندارد که اگر داشت، ذره‌ای به وعده‌هایشان عمل می‌کردند؛

قربانی نگران آینده است: «اگر این شرایط، این جنگ، ادامه داشته باشد، ما چطور باید زندگی کنیم، مثلاً قرار بود با کالابریگ، مشکلات معیشتی ما را رفع و رجوع کنند؟ قرار بود در تأمین کالاهای اساسی مشکل نداشته باشیم، اما نتیجه چه شد؟ وقتی طرح کالابریگ را شروع کردند که تورم صعودی شده بود؛ بعد هم جنگ اتفاق افتاد؛ در عرض چند ماه، ارزش کالابریگ سقوط کرد، چند بار قول دادند مبلغ کالابریگ را دوباربر می‌کنند؛ اما چه شد؟ به این وعده عمل نکردند که هیچ، حتی محلی برای تأمین اعتبار کالابریگ نداشتند...».

این بازنشسته ساکن محله «گلایان» در شهرری است؛ آنجا تقریباً همه‌ی فروشگاه‌های کوچکی که با کالابریگ به مردم آید دارند، در مرز ورشکستگی قرار دارند. دولت خیلی با تأخیر طلب‌های کالابریگ را با این مغازه‌ها تسویه می‌کند. قربانی می‌گوید: «چند تا مغازه در محله‌ی ما بود که با کالابریگ خرید می‌کردیم، دولت با این مغازه‌ها تسویه حساب نکرد و طلب‌هایشان را نداد؛ همه این فروشگاه‌ها در تیرماه اعلام کردند که دیگر از طرح کالابریگ خارج شده‌اند؛ من پیرومرد برای خرید با کالابریگ می‌آمدم تومانی، مجبور شدم چند خیابان

آونتر بروم که بتوانم یک روغن یک کیلویی و یک بسته شکر بخرم.»

این بازنشسته تأکید می‌کند «اگر اصلاحات سیستمی اتفاق نیفتد، معیشت کامل به فنا می‌رود» می‌پرسد: «مگر قرار نبود اعتبار کالابریگ دو برابر شود؟ چرا دولت برای همین یک میلیون تومان فعلی هم محل تأمین اعتبار درست و حسابی ندارد؟ چرا قبل از تسویه، طلب فروشگاه‌های کالابریگ از دولت، به چند میلیارد می‌رسد؟ چرا طلب‌ها به موقع تسویه نمی‌شود؟»

قربانی اضافه می‌کند: کالابریگ دولت فقط طبل توخالی بود؛ کلی تبلیغ کردند اما آخرسر هیچ چیز دست ما را نگرفت؛ گویا به این هم راضی نیستند، می‌خواهند بنزین را هم گران کنند،



امید «یک زندگی معمولی» برای فرودستانی مثل محمدرضا قربانی که نه به امید بهبود قطعی اوضاع، بلکه از ترس بدتر شدن شرایط زندگی و به خاطر نگرانی بابت آینده، در گرمای شدید تابستان، کف خیابان تجمع می‌کنند، چیزی شبیه یک امید بی‌سرانجام است.

به گزارش ایلنا، وقتی از پله‌ها بالا می‌آیند، در این گرمای سخت چهارم مرداد تهران، نفس نفس می‌زنند؛ معلوم است جانی برایشان نمانده؛ «این بازنشستگان» دیگر رقم ندارند...

یکشنبه چهارم مرداد، چند نفر از بازنشستگان تأمین اجتماعی بعد از تجمع مقابل سازمان تأمین اجتماعی به خیبرگزاری آمدند؛ این بازنشستگان می‌گویند «هفته‌ها، ماه‌ها و سال‌ها، بدون وقفه، در گرما و سرما، زیر باران و در آلودگی هوا، اعتراض کردیم، مطالبه‌گری هیچ زمان تعطیل نشد اما هرگز گوش شنوایی نیافتیم».

«مجموعه‌ی حاکمیت آیا اصلاً فکر می‌کند بازنشسته با حقوق ۱۸ یا ۲۰ میلیون تومانی، چطور

باید زندگی کند؟ چرا هرچه قول می‌دهند، وعده‌ی ما در هوا و توخالی‌ست؟ از اینهمه ثروت و سرمایه در این مملکت درندشت، بی‌پولی و اعتراض کف خیابان، سهم ما بازنشسته‌ها شده.

ما بازنشسته‌ای داریم که سرطان دارد و شیمی درمانی می‌کند اما بازهم هر هفته برای تجمع مقابل تأمین اجتماعی می‌آید.

آخر کمی از این ثروت‌ها را بدهند به صندوق تأمین اجتماعی که خرج ۵ میلیون بازنشسته فقیر شود، مگر چه می‌شود؟ چرا به هیچ وعده‌ای عمل نمی‌کنند؟ حقوق ما که امسال به نصف افتد فقر هم نرسید، اعتبار کالابریگ را که زیاد نکردند، حالا می‌خواهند بنزین را هم گران